



جمال شورهچ (فیلمساز)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)

شهرویار بحرانی (فیلمساز)

بروین شیخ طادی (فیلمساز)

نادر میربالایی (فیلمساز)

مرتضی شعبانی (استندساز)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی قلیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز)

فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)

هادی محمدیان (بویانما)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

نادر طالبانزاده (کارگردان)

«ترجم ممنوع!» ترجم یعنی ضعف و ضعف یعنی آسیب‌پذیری…

این جمله آدمکش یعنی شخصیت اصلی فیلمی به همین نام ساخته دیوید فینچر، در یکی دو صحنه به صورت تریشن و با صدای او روی تصاویری ششیده می‌شود که با سوزهای انتقالی‌اش برخورد می‌کند.

به‌طور مشخص در صحنه‌ای که آدمکش به سراغ منشی سفارشات‌دهنده‌اش یعنی «دولورس» رفته است، بعد از آنکه خود سفارش‌دهنده را به شکل مشتزن‌کننده‌ای به قتل رسانده است. او جمله دیگری هم دارد که در مواجهه‌های مشابه به صورت تریشن می‌گوید:

«به هیچ‌کس اعتماد نکن، اگر می‌خواهی موفق شوی.»

این جمله را در اواخر فیلم که کارشناس را به سوی قتلگاش می‌برد، بیان می‌کند.

در هر دو صحنه، خصوصا اولی، در ذهن مخاطب بی‌گداهی سوززه رنگ می‌زند و حتی از برخی تیک‌های چهره آدمکش هم این بی‌گداهی خودنمایی می‌کند.



خصوصا وقتی‌که دولورس از آدمکش تقاضا می‌کند جوری او را کندکد که بیمه عمر به‌چهاره‌ایش تعلق نگیرد! کارشناس هم در حال صرف شام آخرش در حضور آدمکش، اگرچه نشان می‌دهد سرنوشته محتومش را پذیرفته ولی سعی دارد که به هر حال خود را بی‌گناه جلوه دهد.نوشدنی‌هایش را یکی‌یکی و با آرامش می‌خورد، جوک می‌گوید، وقت تلف می‌کند و…

اسا فینچر در باطل کردن ذهنیت مخاطب و حق دادن به آدمکش که سوززه‌اش را با بی‌رحمی می‌کشد، تردید نکرده، ولو در چند صحنه بعد، این موضوع را به تماشاگرش بقبولاند. از جمله دولورس که معلوم می‌شود از جیک و بوک تریشن و قربانیان و طرح‌ها برنامه‌ها خابر بوده و کارشناس در آخرین لحظات قصد دارد با جاقویی که پنهان کرده، آدمکش را به قتل برساند.

سینما و طوفان الاقصی

- رسول شمالی وزرنده**

بیش از ۷۵ سال از اشغال سرزمین‌های فلسطین توسط رژیم صهیونیستی و غاصب اسرائیلی می‌گذرد و خانه و کاشانه مردم فلسطین در طی این مدت بارها و بارها توسط نظامیان کودک‌کش اسرائیلی مورد حمله قرار گرفته و کودکان و زنان و مردم مظلوم فلسطین به شهادت رسیده‌اند. امروز هم صهیونیست‌ها با پشتیبانی و کمک آمریکا دست به یک جنایت بزرگ زده‌اند که هنوز هم ادامه دارد. این رژیم خونخوار در پی شکست در عملیات پیروزمندانه«طوفان‌الاقصی» که توسط نیروهای مقاومت فلسطین اتفاق افتاد این روزها دیوانه وار با بمب‌های فسفری ممنوعه و خطرناک که توسط آمریکا دریافت کرده مناطق مسکونی و درمیان‌ی غزه را مورد هدف قرار می‌دهد و تاکنون هزاران کودک، زن و افراد سالمند را به شهادت رسانده است.

در این میان یقینا هنرمندان ما می‌توانند با تولید و ساخت آثار سینمایی که نشانگر جنایات رژیم خونخوار صهیونیستی باشد و به نوعی افشاگر، فاجعه‌آفرینی اسرائیل غاصب در غزه را نشان دهد هموطنان و جهانیان را از این جنایات وحشیانه بیشتر آگاه کنند.

زبان هنر و به‌ویژه سینما می‌تواند به مراتب رساتر تحوش و خوی ضدانسانی رژیم صهیونیستی را در دنیا به نمایش بگذارد. اگرچه در سال‌های اخیر شاهد تولید آثار سینمایی در خصوص مظلومیت مردم فلسطین و جنایات اسرائیل در منطقه و به ویژه در فلسطین اشغالی بوده‌ایم، اما به‌نظر می‌رسد که این آثار به تعداد انگشتان دستت تولید شده‌اند و جا دارد که سینمای ایران یا یک فضای جدید به سراغ تولید آثار سینمایی با قصه‌ها و داستان‌های برگرفته از فلسطین برود و در واقع در رابطه با موضوع فلسطین برای نسل کنونی جهان اطلاع‌رسانی کند. امروز تهیه‌کنندگان و کارگردان‌های جوان و با تجربه‌ای در کشور هستند که خواهان ساخت این نوع آثار سینمایی‌اند و حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند انگیزه‌های لازم را برای ساخت فیلم‌های سینمایی با موضوع فلسطین و غزه را به آنها بدهد. به ویژه در این شرایط با توجه به جنایات وسیع و فاجعه بار در فلسطین و غزه از سوی آمریکا و اسرائیل و کشتار مردم بی‌پناه فلسطین ضرورت دارد که سینمای ما به‌سمت ساخت آثار سینمایی در زائر مقاومت مردم فلسطین برود.



قصد مقاومت این روزهای مردم مظلوم فلسطین در غزه که حاضر نیستند خانه و کاشانه خود را ترک کنند و تا آخرین قطره خون خود در مقابل اشغالگران اسرائیل غاصب و آمریکایی‌ها ایستاده‌اند و مردانه می‌جنگند شاید همان کلید واژه‌ای باشد که می‌تواند در تولید آثار فاخر سینمایی برای تهیه‌کنندگان و سازندگان آثار سینمایی منبع الهام‌بخشی محسوب شود. این موضوع، با توجه به موج حمایت روزافزون مردم جهان از فلسطین، می‌تواند بازار خوبی هم برای فیلم‌های ضدصهیونیستی سینمای ایران فراهم کند. به هرصورت هنرمندان سینمایی ما امروز وظیفه سنگینی بردوش دارند و نیاز هست که نهادهای مربوطه امکانات لازم را برای تولید آثار سینمایی در زائر مقاومت و مظلومیت فلسطین در اختیار تولیدکنندگان آثار سینمایی قرار دهد. امروز دشمنان حق و حقیقت با همه دسیسه‌ها و ابزارها به جنگ علیه مظلومان جهان که در حال حاضر مردم بی‌پناه فلسطین هستند رفته و استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا منطقه را به آشوب کشیده است. در واقع اسرائیل با دست‌های خون آلود هرروز به وسعت جنایتانش می‌افزاید. بنابراین لازم است هنرمندان کشورمان با یک حرکت انقلابی و طوفانی و برای کمک به مردم مظلوم فلسطین از ابزار سینما استفاده کنند و با ساخت فیلم‌های سینمایی از وقایع غزه و فلسطین مشرقی و مردم آزاده جهان را با جنایات رژیم صهیونیستی آگاه سازند در همین مدت بیش از یک ماهی که از جنایات رژیم صهیونیستی با پشتیبانی آمریکا در کشتار مردم بی‌پناه غزه می‌گذرد هنرمندان کشورمان با محکوم نمودن این جنایات آماجگی‌شان را برای تولید آثار هنری در همه زمینه‌ها اعلام کرده‌اند که این بین سینماگران جهان ایران هم با به پای سایر هنرمندان با اعلام آمادگی سینما ساخت آثار سینمایی با موضوع فلسطین و افشای جنایات رژیم صهیونیستی شدند.

به‌رحال یقینا تولید آثار سینمایی می‌تواند بسیار تاثیرگذار باشد و روایت قصه‌ها با زبان هنر و در زائر سینمایی موجب فخت و خوراری رژیم صهیونیستی در دنیا خواهد شد. آنچه امروز می‌تواند رژیم اشغالگر اسرائیل را در جهان منزوی و ذلیل کند رسانه‌ها هستند و همین‌طور که در حال حاضر رسانه‌های جهان توانسندت نظارت‌ها و راهپیمایی مردم سراسر جهان را به تصویر کشیده و از شبکه‌های خود پخش کنند یقینا رسانه‌های مثل سینما هم می‌تواند در این خصوص ادای دینی داشته باشد و در واقع وارد عرصه مبارزه با استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی شود، سینمای ایران در واقع در رابطه با ساخت آثار فاخر در مورد فلسطین و جنایات رژیم اشغالگر اسرائیل تاکنون کم کار بوده و نیاز هست که تحولی اساسی در این خصوص در سینمای ایران شکل گیرد و سازندگان آثار سینمایی کشور به سراغ تولید فیلم‌های سینمایی در زائر مقاومت و به‌ویژه فلسطین بروند.

اسا در میانه این فیلمسازی ایدئولوژیک از علاقه‌اش به سینمای جنایی و معمایی جدا نشد. از همین روی در نخستین فیلم درست و درماتش پس از اثبات توانایی سینمایی در قسمت سوم سری فیلم‌های «یکانه»، به یک ماجرای جنایی و قتل‌های زنجیره‌ای در فیلمی به نام «هفت» روی آورد منتها براساس «دوخ» دانته (عضو ارشد لژ ماسونی رز صلیبی) که از کتاب‌های موردنظر ایدئولوگ‌های صلیبی‌اصهپونی محسوب شده، فیلمنامه

سعید مستغنی

نگاهی به فیلم «آدمکش»

تماشاگر در کنار پلیس، درصدد کشف هویت آنها بود. در فیلم «دختری با خالکوبی اژدها» باز هم با قاتل سریالی مواجه بودیم که این‌بار حتی در مقابل جبهه ایدئولوژیک فیلمساز قرار داشت و از همین‌روی ما نیز در مقابل او قرار داشتیم.

بقیه آثار سینمایی فینچر مانند: «بازی»، «مورد عجیب بنجامین باتن»، «ششیکه اجتماعی»، «دختر گمشده» و «هنک» نشانی از قتل و قاتل زنجیره‌ای نداشتند.

تم فصل جوایز ۲۰۲۴

ترجمان سینمایی نسل‌کشی صهیونیست‌ها

همدانپنداری فینچر با قاتل بی‌رحم

بله، واقعا این‌بار دیوید فینچر برخلاف همیشه در کنار قاتل فیلمش قرار گرفته و با تمام آنچه از سینما آموخته، او را محق جلوه داده است. در واقع شاید بتوان گفت، فیلم «آدمکش»، ورای فیلمنامه و قصه و ماجراهایش، یک فیلم‌گردانی است. فینچر با دکوپاژ تاثیرگذار، طراحی فیلم کارگردانی سایه‌روشن و کار دراماتیک با رنگ و نور در فضاهای مختلف (با فیلمبرداری که قبل از «دختر گمشده» و «هنک» نیز با او همکاری داشت که در این آخری جایزه اسکار هم گرفت)، همچنین تدوین شتابدار و خصوصا در صحنه‌های درگیر، هماهنگ و حتی پیش‌برنده حرکاتی که بسیار بدیع طراحی شده‌اند و… توانسته تماشاگر را کاملا با کاراکتر آدمکش خود همراه سازد و تریشنی که گاهی از زبان آدمکش (خصوصا در ۵ دقیقه ابتدای فیلم می‌شویم) تنها این ساختار سینمایی را تکمیل می‌سازد.

دیوید فینچر در این تمهیدات خصوصا عنصر غافلگیری در صحنه‌های کشتن، تماشاگر را در هر زمان خلع سلاح کرده که نتواند سریع تصمیم گرفته و جبهه خود را تعیین نماید، تا در صحنه‌های درگیری‌های آدمکش مانند یک بازی کامپیوتری وارد میدان شده و خصوصا در سکانس درگیری با گردن‌کلفت، حتی آرزو کند کاش یک دسته بازی را در اختیار داشت و حساب آن غول بی‌شاخ و دم را می‌رساند.

اگرچه شاید هنگام قتل راننده تاکسی کمی دل‌سوزانیم اما وقتی می‌خواهد کارشناس را به قتل برساند، گویی این تماشاگر است که در تمام طول راه بی‌خیزد و رز رستوران «الانداز» تا کنار پل، هر لحظه می‌خواهد او را هدف قرار داده و کار را تمام کند.

اما چرا این‌بار دیوید فینچر، تماشاگرش را به سوی

صحنه نمایش از یک «سرزش» آغاز می‌شود، سرزنی که همیشه و همیشه شاید با انسان همراه باشد؛ «نمایش «بازگشت» روایتی از سرانجام راه و انتخابی اشتباه، از آغاز تا پایان راه و روایت لحظاتی از زندگی که ممکن است هر کدام ما در آن مورد آزمایش روزگار قرار بگیریم. این بار مخاطب شاهد داستانی دراماتیک همراه با دکورهای متفاوت و متنوع است، اتفاقی که باعث شده تا بخش‌های دیگر کار نیز مانند نور، صحنه، بازیگردانی، جلوه‌های ویژه میدایی و… نیز تغییراتی داشته باشند.

ابتدا درباره میزسن؛ دکور اثر می‌توان گفت به دلیل تعدد دکورهایی که دارد نسبت به نمایش‌های میدانی که تاکنون به روی صحنه رفته‌اند، نظیر نداشته است و این موضوع یکی از اتفاقات بسیار خاص و ویژه است، چون تا این میزان تجربه دکورهای متنوع در نمایش‌های میدانی وجود نداشته است. بخش جلوه‌های ویژه میدانی نیز هر آنچه در قالب

گزارشی از اجرای نمایش «بازگشت» در بوستان ولایت

بازگشت امیدها به صحنه

محمدعلی میرزایی

نمایش گنجانده بشود و قابل استفاده باشد نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفت. از فضاسازی‌هایی که با یاد، آتش، دود تا خاک و حتی باران.

متن «بازگشت»، یک متن داستانی، دراماتیک و شخصیت‌محور است. داستان حول محور شخصیتی به نام مسعود در تاریخ معاصر می‌چرخد. خط داستانی در اصل در زمان حال است. در این نمایش مخاطب با مسعود همراه می‌شود و با او در تاریخ سفر کرده و مجدد به زمان حال برمی‌گردد. تاریخی که از دوران

در طول تاریخ بشر چه بسا نبردهایی که یک طرف منازعه به پیروزی منتهی دست یافته‌اما به علت شکست در جنگ روایت‌ها نتوانسته است موفقیت خود را در عمل تثبیت کند.

به یاد آوریم که در ابتدای شروع عملیات رژیم صهیونیستی در غزه همه مقامات آمریکا و دولت‌های

انگلیس، فرانسه و آلمان آن لشکرکشی به غزه را نوعی دفاع از خود و حق صهیونیست‌ها اعلام کردند و این موضوع در همه رسانه‌های عالم منتشر شد ولی آنچه جهان از قاب رسانه‌های خبری حقیقت‌گرا می‌بیند هرگز دفاع از خود نیست.

بیماران بیمارستان الاهلی توسط رژیم صهیونیستی و بعد از چند روز ورود تانک‌های اسرائیلی به حیاط بیمارستان‌های الشفا، القدس، الرتیسی و بیمارستان اندونزی در غزه توسط رسانه‌های حقیقت‌گرا مانند پرس‌تی‌وی برای مردم جهان بخیره می‌شود و هر انسان آزاده‌ای می‌داند که کشتن بیماران بستری در بیمارستان هیچ ربطی به میدان نبرد و ادعای دفاع از خود ندارد.

اما همه این موارد چه تاثیری بر رژیم صهیونیستی خواهد داشت؟ واقعیت این است که دولت‌ها غربی به مدت ۷۰ سال به پنهان مظلوم‌نمایی صهیونیست‌ها پیرامون موضوع هولوکاست به تل‌او‌و کمک مالی و بی‌رحمانی ارائه می‌دهند و این بخشندگی را با عنوان (حمایت از لیبرال دموکراسی) و کمک به حقوق بشر معرفی می‌کنند اما زمانی که جنایات اسرائیل علیه مردم غیرنظامی در غزه به ویژه ورود تانک‌ها به محوطه بیمارستان و گلوله باران زخمی‌ها در رسانه‌های حقیقت‌گرا مانند پرس‌تی‌وی منتشر می‌شود افکار عمومی غرب نمی‌توانند با این تناقض کنار بیایند.



طبق معمول هر سال صهیونیست‌ها به هالیوود متوسل شده و طرح یادشده را به صورت تم فصل جوایز و آثار برگزیده امسال هالیوود، وارد این فیلم‌ها نمودند. این فیلم‌های در حال تولید را با این سمت فوق بود.

براساس طرح یادشده، حرکات ایذایی مختلفی از چندین ماه قبل علیه فلسطینی‌ها به اجرا درآمد و قتل و ترور بیش از ۲۰۰ فلسطینی‌نشانه‌هایی از آن طرح بود. عملیات طوفان‌الاقصی در واقع آن طرح را با مانع بسیار محکمی مواجه ساخت.

در آن طرح مینا بر این قرار داشت که اسرائیل با حداکثر خشونت و توحش و فلسطینی‌ها در غزه هجوم برده و آن را یک حرکت ناگزیر علیه آنچه تروریسم حساس و فلسطین می‌خواند، جلوه دهد. قرار این بود که همه مختل گردانند. شخصیت اصلی او در تمام طول فیلم نشان می‌دهد که جزو همان اقلیت است اگرچه در انتها ناگهان انگار تحولی بره‌ای پیدا کرده و اظهار می‌دارد که دوست دارد در کنار اکثریت باشد.

چون به‌گونه‌ای شعاری جیتلاند دست از قتل مشتری یا همان سفارش‌دهنده کشیده‌تا زمانی دیگر! (چرا دستت از انتقام اصلی‌ترین عامل کشیده؟ یعنی یک دفعه متحول شده؟!)) با اینکه بالاخره پای یک مشتری در میان است و نیاز آدمکش هم به مشتری بیشتر از حتی دوست دخترش است!

اگر چنین باشد، فینچر انتهای فیلمش را با منطقی که تا آنجا پیش برده بود به پایان رسانده ولی متأسفانه این‌گونه به نظر نمی‌رسد و فیلم «آدمکش» هم پس از آن همه بالاس زن و مسبر و تحمل، سرانجام به ورطه شعر و شاعر می‌افتد که بالتبع وقتی فیلم هنری، سفارشی باشد، حتی فینچر هم با تمامی هنرنمایی‌هایش، گریزی از شعر و شعار ندارد.



می‌گیرد و به نمایش و فیلم تبدیل می‌شود به ویژه زمانی که روی آن خوب فکر و آن موضوع درک شده باشد، می‌تواند تاثیرگذار باشد.

برای هر سپرده از نمایش دکور خاصی طراحی شده و به مثابه یک سکانس از یک فیلم سینمایی است. قطعا تاثیر این اتفاق به تدریج در میان مردم آن مناطق مشهود خواهد بود، وقتی مخاطبان محتوایی با کیفیت و فرم جذاب و آتماشا می‌کنند، سطح سلیقه و نگاهشان نسبت به هنر و مسائل مختلف آن رقا می‌یابد.

بسیاری از ما ممکن است در یک بزنگاه‌ها و سخته‌هایی در زندگی قرار بگیریم که اگر در این سخته‌ها امید را از دست بدهیم ممکن است دیگر راه بازگشت برای‌مان وجود نداشته‌باشد. با امید باشد که می‌شود مسیر را ادامه داد و به پیروزی و موفقیت دست پیدا کرد. در انتهای بازگشت هم باید گفت این داستان روایت مسبر و امید و توکل در برابر آس و ناامیدی است؛ امیدی که بر ذهن و رفتار ناامیدی و بی‌خیالی غلبه می‌کند.

دروغ‌هایی شده‌اند که به مدت چندین دهه به آنها گفته می‌شد. نسل‌کشی در غزه با همه هولناکی و جگرسوزی که دارد اما یک پدیده را هم به ارمان آورد و آن شکست رژیم صهیونیستی و به ویژه بلوک غرب در جنگ روایت‌هاست.

بنابراین شاید تل‌او‌یو بتواند در میدان نظامی کشتار کند اما پنهان اصلی برای پیدایش خود که مظلومت قوم یهود بود را به دست خوشتن نابود کرد و جنگ روایت‌ها را کاملا باخت.



ساخته جاستین تریه) و فیلم بسیار مهم آن یعنی «قاتلین ماه کامل» (مارتین اسکورسزی) آغاز شد و در یک اتفاق نادر به جای ماه‌های آخر سال یعنی نوامبر و دسامبر، در تابستان که معمولا فصل فیلم‌های پاپ کورنی است با دو فیلم «اوپنپایمر» و «باربی» به‌طور خیلی ملموس خود را نشان داد.

جشنواره ونیز و آثاری مانند «بیچارگان» (پورگن لانتیموس)، «دادگاه نظامی شورش کین» (ولیاُم فرید کین)، «سنساده» (برادلی کوپر)، «داگمن» (لوک بسون)، «قاتل» (ریچارد لینک لیتر)، «کاخ» (رومن پولانسکی)، «پرسیسی» (سوفیا کوبولا) و «ششپان وجود ندارد» (ریسوک هاماگوچی) و… هم تقریبا همین تم را داشتند. تم «جنایت موجه و ناگزیر»؛ همان که رابرت اوپنپایمر در پاسخ ژانر نگرانی کارگردار در کاربرد بمب اتم اظهار داشت که نمی‌داند صلاحیت داشتن بمب اتم را دارند یا خیر اما قطعا می‌داند هیتلر این صلاحیت را ندارد و همین چنین توجیهی تراشید و آن را «جنایت موجه و بشری گرداند. همان که در فیلم «اتوومی یک سقوط» زنی نوبسنده را وادار به قتل شوهرش کرد و در «قاتلین ماه کامل»، مردان سفیدپوست را به قتل زنان و کودکان و موکلان سرخوشتان وا داشت!

تم‌های هالیوود فصل جوایز هر سال، معمولا براساس جاش‌های روز غرب صلیبی صهیونی تعیین شده و می‌شود و در فیلم‌ها جانمایی می‌گردد تا در فصل جوایز، مورد تقدیر و تشویق و جایزه داد انجمن‌ها و مراسم‌های سینمایی مانند اسکار قرار گیرند.

جاشی امسال غرب صلیبی / صهیونی

استدای که اخیرا افشا شد، نشان داد رژیم صهیونیستی ماه‌ها قبل از عملیات طوفان‌الاقصی، طرح عظیم حمله و اشغال غزه را برای سرکوب نهایی مقاومت برنامه‌ریزی



می‌گیرد و به نمایش و فیلم تبدیل می‌شود به ویژه زمانی که روی آن خوب فکر و آن موضوع درک شده باشد، می‌تواند تاثیرگذار باشد.

برای هر سپرده از نمایش دکور خاصی طراحی شده و به مثابه یک سکانس از یک فیلم سینمایی است. قطعا تاثیر این اتفاق به تدریج در میان مردم آن مناطق مشهود خواهد بود، وقتی مخاطبان محتوایی با کیفیت و فرم جذاب و آتماشا می‌کنند، سطح سلیقه و نگاهشان نسبت به هنر و مسائل مختلف آن رقا می‌یابد.

بسیاری از ما ممکن است در یک بزنگاه‌ها و سخته‌هایی در زندگی قرار بگیریم که اگر در این سخته‌ها امید را از دست بدهیم ممکن است دیگر راه بازگشت برای‌مان وجود نداشته‌باشد. با امید باشد که می‌شود مسیر را ادامه داد و به پیروزی و موفقیت دست پیدا کرد. در انتهای بازگشت هم باید گفت این داستان روایت مسبر و امید و توکل در برابر آس و ناامیدی است؛ امیدی که بر ذهن و رفتار ناامیدی و بی‌خیالی غلبه می‌کند.

ربطی به حوادث یا تلفات جنگ جهانی دوم ندارد و این پشتیبانی به هر چه مربوط باشد ربطی به حقوق بشر ندارد چرا که صهیونیست‌های مدعی مظلوم بودن، اکنون خود در حال ساختی زنان و کودکان و پیران در غزه محاصره شده هستند.

شکست رژیم صهیونیستی

در جنگ روایت‌ها

اسرائیل نیز نتوانند آن را به مبارزه با تروریسم ربط دهند. به بیان دیگر، همان رژیم صهیونیستی که برای ۷۰ سال مدعی مظلوم واقع شدن در اثر نسل‌کشی بود، اکنون خود در حال ساختی زنان و کودکان از زخمی است.

در چنین شرایطی است که می‌توان گفت تمیز دادن مظلوم از ظالم و تشخیص درست وضعیت انسانی گرچه در جنگ جهانی دوم وجود نداشت اما در حال حاضر رسانه‌های حقیقت‌گرا که یکی از آنها شبکه پرس‌تی‌وی است به آینه تمام‌نمای وجدان بشریت تبدیل شده‌اند. مصداق آن نیز تظاهرات عظیم مردم در سراسر جهان به ویژه کشورهای غربی است.

بنابراین افکار عمومی جهان به‌ویژه در کشورهای غربی به این نکته آگاه شد که حمایت دولت‌های آمریکا و اروپا از رژیم صهیونیستی هیچ